آپادانا

ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

سال سوم شماره ۱۱۸ سه‌شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۳۱ بها ۲ ریال

خبرهای ما

پنج تن از قهرمانان حزب ما از زندان آزاد شدند

افسران روسی در خاک بختیاری = سرقت ماهرانه مامورین شهربانی - زلزله هولناک طرود

کشتی میریالادرونیز - باند توده‌ای نفتی زمینه اعتصاب کارمندان دولت را فراهم میکنند

پنج تن از قهرمانان حزب ما از زندان آزاد شدند

روز سه‌شنبه گذشته سروان غفوری و وعظیما از زندان آزاد شدند. سروان فروهر و میرعبدالباقی با اینکه در چند هفته پیش در دادگاههای فرمانداری نظامی تبرئه شده بودند برخلاف رای دادگاه و بدستور فرماندار نظامی در زندان بودند تا اینکه سرور میرعبدالباقی در شامگاه شنبه و سرور فروهر در شامگاه یکشنبه آزاد گردیدند.

سرور همایونی نیز دیروز آزاد شد اما سرور بازیار هنوز در زندان میباشند

افسران روسی در خاک بختیاری

ابوالقاسم بختیاری انگلو کمونیست معروف پس از اینکه پولهایش را در کاباره‌ها خرج میکند بفکر میفتد که با دزدیهای مجدد برای خوشگذرانی های خود پول تهیه کند بنا باظهار سخنگوی دولت و گزارش رسمی که از لشگر اصفهان در این باره رسیده ابوالقاسم بختیاری چندی پیش بعنوان سرکشی باملاکش به «ایزه» و «اندیکا» وقلعه «زراس» وارد میشود و باچوب زدن وفلکه کردن مردم پولهائی بدست میآورد. پس از رسیدن گزارش به آقای نخست وزیر دستور تعقیب وی را صادر میکنند چندروز پیش که ستونی از هنگ دزفول بسمت قلعه زراس حرکت میکند در یک گدار کوهستانی با تفنگچی‌های ابوالقاسم برخورد کرده و غافلگیر میشود. از منبع رسمی درباره شماره حقیقی کشته شدگان اخبری بدست نیامده اما بطوریکه شایع است فرمانده ستون و یک ستوان سوم وظیفه و چهل نفر سرباز کشته شده‌اند.

ابوالقاسم بختیاری همان انگلو-کمونیست معروفی است که چندی پیش تریاکش را در بیمارستان شوروی ترک کرد

بقیه در صفحه ۲

خوابی که مسکو برای ایران می‌بیند

ما همچنان سربازان فداکار و پیش آهنگ جنبش ملی ایران خواهیم بود

جنبش بزرگ ملی ما که در دو سال پیش باصدای گلوله و باشور و هیجان بی‌مانندی آغاز شد؛ اکنون بتدریج شور و هیجان خود را از دست میدهد.

دلاوران و کفن پوشانی که از دورترین گوشه‌های ایران زمین بافریاد «یا مرگ یا مصدق» بتهران آمدند و در زیر چرخ تانکها له و لورده شدند انتظار داشتند که اگر کشته میشوند انتقام خون آنها از خیانتکاران و قاتلین گرفته خواهد شد. آنها نمیدانستند که قوام السلطنه جنایتکار در کمال آسودگی همچنان بزندگی ننگین خود ادامه خواهد داد و ده‌ها پزشک و پرستار مواظبت میکنند که بمزاج مبارک وی آسیبی نرسد! آنها گمان میکردند که لاشه قوام السلطنه روزها و هفته‌ها بر بالای دار بجای خواهد ماند و متعفن و گندزده خواهد شد تا عبرت دیگران شود. آنها [illegible] قوام السلطنه ما همچنان برادریکه مقامات بزرگ تکیه خواهند زد و از دسترنج بینوایان حقوق و پاداش خواهند گرفت.

این بود اشتباهی که بر آتش سوزان جنبش ملی ایران آبی سرد پاشید.

اما آتش فروزانی که در قلب ما است هیچگاه خاموش نمیشود. با اینکه در حکومت ملی ما که پایه‌های آن بر شانه خود ما قرار دارد ما را بزندان میکشند. با اینکه در حکومت ملی ما هزاران دزد و خائن، هزاران سرمایه‌دار و وطن‌فروش از کیسه تهی ملت ما حقوق میگیرند، با اینکه در حکومت ملی ما کسانیکه از پادشاه انگلیس مدال خدمتگزاری و وفاداری! با امپراطوری گرفته‌اند مصدر کارهای بزرگ میشوند و دوستان میهن پرست وفادار ما نان روزانه خود را بدست نمی‌آورند با این وجود آتشی که در قلب ما است هیچگاه خاموش نمیشود.

ما در حالیکه با انتصابات نابجا و خلاف کاریهائیکه در حکومت ملی ما میشود مخالفیم و مبارزه میکنیم هنوز هم هر وقت دولت ملی ما نیازی بجنگندگان و سربازان فداکار خویش داشت همچنان در صف نخست سینه خود را سپر گلوله و سرنیزه‌ها خواهیم کرد. ما میدانیم که دولت ملی ما مبارزه خارجی خود را هنوز تمام نکرده است.

ما میدانم که حل مسئله نفت مهمتر از مجموع کارهائی است که ممکن است در زمان کنونی انجام شود. ما میدانیم که در آمد یکساله شرکت ملی نفت در صورتیکه نفت ایران ببازار های جهان برسد بیش از تمام بودجه کشور و مفیدتر از همه اصلاحاتی است که در دوره اختیارات نخست وزیر ما ممکن است انجام شود.

ما امیدواریم دولت ملی ما بهیچ روی ملاحظه باندهای گوناگون هیئت حاکمه را نکرده و همچون جلادی بیرحم بقطع کردن ریشه های فساد و عاملین بیگانه بپردازد.

ما همچنان سربازان فداکار و پیشاهنگ جنبش ملی ایران خواهیم بود.

پاینده ایران

یادداشت‌های پراکنده — تقی‌زاده

تاریخ را چگونه بررسی کنیم و از تاریخ چه بیاموزیم

راه نهضت‌های تاریخی جز پذیرش واقعیت های تاریخ چیز دیگری نیست

باید از تاریخ گرفت و بتدریج در مغز مردم جای داد

ما از مرز افسانه ها گذشته‌ایم و جهان خیالبافی را بخیال بافان سپرده‌ایم زیرا از لابلای برگ های تاریخ این حقیقت را شنیده‌ایم که پیروی جز از جهان واقعیت ها پایانی شوم و ناهنجار دارد

واقعیت‌ها هرچند بظاهر تلخ و سخت هرچند در نهان دیررس و مشکل، داروئی است که از آن سود میجوئیم و راه سخت گذری است که می پیمائیم

ما به قلمرو جهان واقعیت‌ها وارد شده‌ایم، مرزی که از آن گذشته‌ایم و مرزی که ساخته‌ایم از خون و آتش ایجاد شده ... از آتش

بقیه در صفحه ٤

مصدق بزرگ از هیئت حاکمه

«از هیئت حاکمه ستمگر جز این انتظار نتوان داشت»

بدنبال جنبش تاریخی ملت رنجدیده ایران برهبری دکتر محمد مصدق نخست وزیر بی‌نظیر و خردمند که دماغ پر از غرور عفریت استعمار انگلستان را بخاک نشست و صنایع نفت در سراسر کشور ملی گردید جاسوس خانه شرکت روسی شیلات نیز بخواست ملت ایران گل گرفته شد

در این پیروزمندیهای حیات بخش فقط موجبات سرور و شادمانی ما ملت غارت شده و استعمارزده بنحو کامل فراهم گشت

اما دستگاههای پلید هیئت حاکمه خونخوار که مشتی از سرسپرده ترین نوکران سیاست‌های استعماری‌اند و مصادر امور کشور را با هزار نیرنگ و فسون در چنگال خونین خود گرفته‌اند با تلاش مذبوحانه

بقیه در صفحه ٤

آقای دکتر مصدق ما انتظار نداشتیم که در

دولت شما جانبازیهای ما را باشکنجه و زندان پاداش بخشند!؟

در آنروزهای تیره و تاریکه قلب میهن پرستان در سینه ها خاموش شده بود.

در آنهنگامیکه بر سراسر خاک میهن ما جز سایه سرنیزهٔ سربازان سرخ و غرش تانکهای انگلیس و امریکا چیز دیگری حکومت نمیکرد.

در آنروزیکه نفسها در سینه خاموش گردیده بود و دسته دسته میهن پرستان در تبعید و زندان بسر میبردند.

در آنروزهائیکه دولتها و مجلس ما خود را در آغوش هر بی‌سروپا افکنده و قوانین و مقررات بدلخواه دشمنان تعبیر و تفسیر میگردید.

بقیه در صفحه ٤

شرکت واحد اتوبوس رانی. منع استعمال

نوشابه های الکلی. شرکت دانش آموزان در سیاست. معجزه بودجه.

این روزها ملت ایران در مرحله یک جهش بزرگ تاریخی قرار گرفته و آنچه را که درصد و پنجاه ساله اخیر آرزو میکرد - کم و بیش بمرحله تحقیق در آورده و درمیآورد

دوسال پیش در چنین روزهائی خوش گمان‌ترین ایرانیان باور نداشت که مبارزه نفت با انگلستان فرتوت و مکار که آفتاب در پهنه امپراطوریش غروب نمیکرد و یک چهارم پهنای جهان را بزیر سلطه کشیده بود؛ چنین پیروزمندانه انجام گیرد.

برچیدن دستگاه بانک شاهی و قونسولگریهای انگلیس و قطع روابط سیاسی با انگلستان و ملی کردن شیلات نمونه‌های برجسته دیگری از پیروزیهای پیاپی ملت ایران است. اکنون نیز هر روز و هر هفته قرحه چرکینی که پدیده استعمار خارجی و فساد درونی اجتماع ما است بچشم میخورد که باید التیام داد.

اما «جراح ما» که برنده ترین و کاملترین وسائل عمل را بشکل «اختیارات یکساله» در دست دارد نباید بملاحظه چند سلول فاسد اجتماع بزخم بندیهای سطحی اکتفا کند، بلکه باید بمصلحت عمومی بدن و باجسارت و قوت قلب قرحه‌های چرکین را بشکافد و چرک و عفونت را همچون جانور اصلی از بدن خارج نماید. اینک بشرح چند موضوع مهم روز میپردازیم:

شرکت واحد اتوبوسرانی

قانون تشکیل شرکت واحد اتوبوسرانی در دو هفته پیش بتصویب مجلس رسیده برای یک خارجی که بتهران میآید پس از دیدن آب آشامیدنی که از میان جویهای پر از لجن و خاکروبه میگذرد و گداهائی که در سرمای زمستان قسمت مجروح بدنشان را برای جلب ملاطفت دیگران برهنه ساخته‌اند؛ هیچ چیز جالب توجه‌تر از وضع اتوبوس‌رانی این شهر نیست «در ساعاتیکه

بقیه در صفحه ۲

ح - غ

«در پشت میله‌های زندان»

ای میله‌های آهنین، سخت مرا در آغوش گیرید و نیکو مهمان نوازی کنید؛ زیرا میزبانی ما را بشما سپرده‌اند

ای سیمهای پرخار و طولانی که از پشت میله‌های زندان، پاسداری زندانیان میکنید شما نیز آماده باشید که میهمان نوینی بر شما فرستاده شده.

ای پاسداری که فقط طنین منظم و یکنواخت گامهای تو از دور بگوش میرسد و در این فضای لایتناهی آهسته آهسته محو میگردد و خاموش میشود، تو نیز آگاه شو: که تازه واردی بزندان آمده است.

بقیه در صفحه ۲

یکسال از واقعه خونین سیستان میگذرد

سیستان سرزمین افسانه آمیز و قهرمان خیز میهن ما سال‌ها است که در زیر سایه سیاست شوم استعماری همچون لانه جغد بویرانی کشیده شده و زادگاه پهلوانان داستانی ما بگونه گرمخانه بینوایان در آمده است

یکسال پیش مردانی قیام کردند تا سرزمین شیرخیز سیستان را از چنگال کفتار فرتوت استعمار آزاد سازند. علم نو کر نشاندار و خدمتگذار سر سپرده انگلستان با بر پاساختن واقعه خونین سیستان شیرمردی را که برای آزادی و رهائی سرزمین خویش قیام کرده بود بزنجیر کشید.

ملت ایران میداند که سردار پردلی نماینده محبوب و وکیل طبیعی سیستان است و خود آقای دکتر مصدق هم میدانند که آن دستگاهی پردلی را بزندان کشید که در زمان نخست وزیری ایشان همان دستگاه نزدیک به پنجاه وکیل خائن بمجلس ایران تحویل داد.

ما در انتظار روزی هستیم که شیران در بند شده سیستانی از قفس آزاد شوند

اخبار حزبی و دبیرستان

در صفحه ۳

حزب ملت ایران مراتب تاسف و تاثر خود را از واقعه دردناکی که بر اثر زلزله برای قصبه طرود رخ داده است اعلام داشته و از عموم هم میهنان و افراد حزبی خواهانست که تا سرحد امکان بآسیب دیدگان کمک نمایند.

صلح و جنگ

ص ۳

بدنبال ملی شدن نفت جنوب و شیلات باید دستگاه جاسوسی اصل چهار نیز برچیده شود

MANCHESTER 1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

شرکت واحد اتوبوسرانی

بقیه از صفحه ۱

رفت و آمد درشهر کمتر است یك اتوبوس ازایستگاه اصلی راه میافتد و پس از چند دقیقه دریکی ازایستگاهها برای پر کردن ظرفیت! (یعنی ده نفراضافه سوارکردن) میخوابد! پس ازچند دقیقه یکی ازمسافرها که ازدیگران جسورتر! یا بروتر! است بصدا درآمده و آنوقت مباحثه و گفتگوی مسافرین با شوفر و شاگرد شوفر وبلیط فروش درمیگیرد و اتوبوس بالاخره پس از یك ربع وگاهی نیمساعت وگاهی بیشتر بحرکت درمیامده اما همیشه موضوع بهمین سادگی برگزار نمیشود. اغلب مباحثه بجاهای باریك ازقبیل فحش بدولت و یادآوری دزدیهای شهربانی و گاهی بزد وخورد میکشد! این ماجرا هنگامی است که مسافر کم و اتوبوس فراوان است اما اگر مسافر فراوان و اتوبوش کم باشد! در هرچندقدم عده‌ای که چشمان خودرا بسمت آمدن اتوبوس دوخته‌اند از نظر جسمی خودرا آماده میسازند که بمحض رسیدن اتوبوس زودتر از دیگران بتوانند باچند خیز خودرا بداخل اتوبوس بیاندازند.

دراین بین کسانی بنظر میرسند که هیچ برای شرکت دراین مسابقه شایستگی ندارند!

زنی که بچه‌خودرادربغل گرفته و به بیغیرت بودن مردها که نگذاشته اند او سوار شود لعن میفرستد! یا پیر مردی که چند دفعه درحمله شرکت کرده و دیگر از رمق افتاده است!

سوانح و تصادمات بیشمار که در این شهر اتفاق میافتد دلیل دیگری بر بی سامانی وضع اتوبوسرانی است. شبی نیست که یك یا چند نفر قربانی کورس ورقابت رانندگان نشوند.

وضع زندگی چند هزار کارکنان اتوبوسها و خانواده‌شان نیز دستخوش هوی و هوس استثمارشدیدمالکین. است مالك تاهروقت خواست مزدورش رانگاه میدارد وهروقت نخواست اورا اخراج کرده و بخدا میسپارد! باضافه هیچ حدوقانونی بر بهره کشی «آقایان مالکین محترم» ناظر نیست. صبح ساعت هفت تا شب ساعت ده و کاربرکارکنان اتوبوسها تحمیل میشود. عده‌ای ازافسران شهربانی و ارتش ودزدان متنفذو محترم! خطوط اتوبوس‌رانی رادر انحصار خود درآورده و تبت تابلویعنی سرقفلی بکاراندا ختن اتوبوس در بعضی از خطوط بده هزار تومان رسیده است و «مالکین محترم» برای اینکه انحصار مسافرین در دست خودشان باشد اجازه نمیدهند دیگران درکسب آنها دخالت! کرده و باتوبوسهای آن خط اضافه شود!

قانون تشکیل شرکت اتوبوس‌رانی گرچه بوضع اسفناك فوق تاحدودی پایان میدهد اما از آنجائیکه بسیاری از نمایندگان مجلس همواره «منافع مالکین محترم» را در نظر داشته و بعللی که شاید هیچ بامنافع خصوصی آنها ارتباط نداشته است!

نه میخواهند که وضع اتوبوس‌رانی شهر خراب باشد ونه «مالکین محترم» درآتش دیگران بسوزند! بیش ازحددررعایت منافع مالکین افراط کرده‌اند!

اما بنظر ما ایجاد شرکتهای مختلط بهرصورت که باشد چه انگلیس وایران و چه روس و ایران و چه «مالکین محترم» و دولت، درد ما را دوا نمیکند.

تنها یك راه برای تشکیل شرکت اتوبوس رانی تهران و هرشرکت دیگری باقی است و آن

«شرکت ملی اتوبوس رانی»

است که صد درصد سهامش متعلق بدولت باشد.

باملی کردن وسائل تولیدو توزیع بهدف بزرك ملی ما «همه‌چیز برای ملت و همه چیز بدست ملت»؛ نزدیك میشویم.

منع استعمال نوشابه های الکلی

در چند روز پیش طرحی از طرف عده‌ای از نمایندگان در باره جلوگیری از نروش و مصرف نوشابه‌های الکلی بمجلس تقدیم شده این طرح از لحاظ نظری ایرادات چندانی ندارد اما از هم اکنون آشکار است که اجرای آن بعلت کمی مجازات متخلفین و فسادد ستگاه اداری ما باموفقیت روبرو نخواهد شد و شاید بیش از آنچه از فروش تریاك جلوگیری بعمل آمده از فروش مشروبات الکلی جلوگیری نشود.

اکنون تریاك در سراسر کشورو درجلو چشم مامورین انتظامی حتی در زندانها مصرف میشود و قاچاقچیان درجه اول آن گاهی سناتور ووکیل میشوندوهنوز برشئون حساس کشور ما تسلط دارند.

ما اکنون دو قاچاقچی بزرك رامیشناسیم که یکی دارنده روزنامه «کثیرالانتشار» کشور و دیگری نماینده مجلس و استاد دانشگاه و مدیریك روزنامه مهم و رئیس قاچاقچیان جنوب است.

منع تهیه وفروش واستعمال مشروبات الکلی در صورتیکه با مجازات شدیدیعنی اعدام توأم نباشد؛ نتیجه منظوررانخواهد داد.

مصرف روز افزون و وحشتناك مشروبات الکلی در ایران بطور مستقیم نتیجه نفوذ خانمان برانداز سیاست های بیگانه است.

فراموش نکنیم در دوره سیاه بیست ساله بکسانیکه مقدارزیادتری تریاك فروخته و عده بیشتری از هم میهنان ماراتریاکی میکردند جایزه و پاداش نقدی میدادندو این سیاست خانمان سوز برای تباهی نژاد ایرانی در هر قسمتی بکار میرفت.

هم اکنون در تهران. دریك شهر تهران پانزده کارخانه الکل وعرقسازی، سه کارخانه آبجوسازی و ده‌ها کارخانه شرابسازی دایر است.

دربرابر این همه کارخانه نوشابه‌سازی شماچند کارخانه فلزکاری وماشین‌سازی و آهن گذاری در تهران دارید؟

شرکت دانش آموزان در سیاست

درمیان طرح‌ها ولوایح و پیشنهادات گوناگون طرحی بچشم میخورد که اثر تراوش یك مغز علیل ویك وجود احمق است.

منع شرکت دانش آموزان در سیاست آنهم بوسیله تهدیدوحبس! اگر منظوراز این طرح محدودکردن فعالیت حزب توده دردبیرستانهااست اولانعالیت حزب توده چه دانش آموزی، باشدوچه کارگری پنهانی زیادی که در حال حاضر دارد میتوانست «حزب محله توده» را از فعالیت بازدارد دوماً زندان بهترین کانون تبلیغات بلشویکی است. توده‌ایها که دربیرون بعلت انتقام‌جوئی مردم جرئت سرودخواندن وتظاهرات ندارند درزندان بامداد و شامگاه سرود میخوانندوحوزه وجلسه تشکیل میدهندو بیطرفهائی راهم که دراثر ناشکری مأمورین انتظامی دستگیر شدو باتوده‌ایها هم زندان شده‌اند تبلیغ میکنند. تنها اثر مخالف این طرح در صورت تصویب شدن روی دانش‌آموزان ملی خواهدبود که احزاب آنها سازمان پنهانی نداشته و آشکارا فعالیت میکنند. تاهنگامیکه حزب توده دردبیرستانها ودانشکده‌ها بلامعارض بوده و سازمانهارا در اختیارداشت بفکر آقای حائری‌زاده نمیرسید که چنین طرحی تقدیم کند. اما اکنون که توده‌ایها ازهمه بنگاههای فرهنگی رانده شده‌اند وفعالیت دانش‌آموزی در انحصار احزاب ملی در می‌آید آقای حائریزاده متوجه لزوم دور بودن دانش آموز از سیاست شده‌انبه

معجزه کسر بودجه

پس ازملی شدن نفت نه تنها درآمد ایران ازشرکت سابق نفت بریده‌شد بلکه همه هزینه نگاهداری دستگاههای بزرك نفت وحقوق ده‌هاهزار کارگر وکارمند شرکت نفت بگردن دولت افتاده‌است و بودجه سالیانه ماکه پیش از ملی شدن نفت نیز مبلغی کسرداشت پس از ملی شدن وقطع درآمدشرکت نفت واضافه شدن حقوق چندین ده‌هزار نفر، آشکار بود که چه‌صورتی خواهد داشت.

بعدینترتیب درسال سیصد تاچهارصد میلیون تومان کسربودجه پیش‌بینی میشد وانگلیسها پس‌ازتمام حقه‌بازیها و لشکر کشی‌ها وشکایت بدیوان لاهه و سازمان ملل منتظر بودند که ایران بعلت کسر بودجه‌ازپا درآمده

انگلیسها پیش بینی میکردند که دولت چند ماه ازسال قادربپرداخت حقوق کارگران وکارمندان نخواهد بودو آنوقت بکمك حزب توده چندصدهزار کارگر و کارمندوسرباز را وادار به اعتصاب و انقلاب خواهند کرد.

خبرهای ما

بقیه از صفحه ۱

ونیز مفتخر بعضویت هیئت مدیره انجمن هواداران صلح میباشد. بنا بر خبرهای خصوصی که ازمنابع مونق رسیده دوافسر روسی درمیان تفنگچیهای ابوالقاسم دیده شده‌اند. ما اطمینان داریم که دستگاهی که قوام‌السلطنه جانی را بجای اینکه بچوبه دار بسپارد درپناه خودگرفت ابوالقاسم بختیاری راکه ده‌یك جنایت قوام را هم مرتکب نشده مجازات نخواهدکرد.

سرقت ماهرانه مامورین شهربانی

مامورین بسیارزبردست! کارآگاهی درشب چهارشنبه دست بسرقت ماهرانه‌ای! زدندکه جادارد از آنها تشویق‌شود! در شب چهارشنبه اطلاع رسیدکه چند نفر مامور شهربانی در اطراف حزب کشیك میدهند صبح معلوم شدکه سارقین زبردستی صندوق نامه‌های روزنامه آپادانا رابامهارت‌دزدیده‌اند بامهارت باینترتیب که صندوق را از جا در نیاورده بودند بلکه باقیچی آهن‌بری ازحلقه‌های میخکوب شده جداکرده بودند با اینکه روبروی حزب پك پست پاسبان دائماً کشیك میدهد وهمیشه یك کامیون آجان! دربیست متری حزب ایستاده است معلوم‌نیست توده‌ایها! چگونه توانسته‌اند! بدون اطلاع پاسبان آنهم دربگیرو به‌بندبعد ازنیمه‌شب صندوق را ازجابکنندالبته صندوق مسروقه خالی ازهرگونه نامه واسناد بود ودربان حزب ساعده شب‌نامه را ازصندوق بیرون آورده بود.

زلزله هولناك ترود

درترودزلزله هولناکی نزدیك به‌هزار تن‌از هم‌میهنان مارانابود ساخت بااینکه این‌هم‌میهنان گرسنه‌و بدبخت مامرك و زندگی برایشان یکسان است وهمیشه در آتش بی‌چیزی و ناخوشی میسوزند با این وجودتاثر دردناکی همه‌ما وهم میهنان را فراگرفت. انتظارمااینست که‌دولت‌وسائل رفاه بازماندگان وزلزله‌زدگان دست‌وپا شکسته ومفلوج‌رافراهم کند تاآنهامجبور نشوندکه چندی‌دیگر به‌کدایان وبینوایان خیابانهااضافه شوند

کشتی میریالا در ونیز

خبر نزاری «آسوشتدپرس» گزارش میدهدکه هنگام ورود کشتی «میریالا» چنان‌استقبال بی‌نظیری ازطرف مردم در بندر ونیز صورت گرفت که‌نظیر آنرادر سالهای اخیر کسی بخاطر ندارد. انگلستان هنوز نه‌تنهادرایران بلکه در همه جهان زنان‌مورد خشم ونفرت مردم‌است که مردم یك‌شهر ورودکشتی حامل‌نفت ایران را بآن‌شهرجشن‌میگیرند. مردم قهرمان ایتالیا که‌از امپریالیسم انگلستان خاطرات تلخ‌و فراموش‌نشدنی دارندهنگامیه انگلیسهارو بمرزهای ایران‌آورده‌وخوزستان راتهدید میکردند بیش از هر کشور اروپائی بما اظهار همدردی نمودند حزب فاشیست ایتالیا در نامه‌ای از نخست‌وزیر ایران درخواست کرد که‌اجازه دهدبپیراهن‌سیاهان ایتالیا بایران بیایندو مرزهای ایران‌را با خون‌خود دربرابر هجوم‌سربازان‌انگلیسی حفظ کنند.

باندتوده‌ای-نفتی زمینه اعتصاب کارمندان دولت را فراهم میکند

بطوریکه ازگوشه‌وکنار شنیده‌میشود باندتوده‌ای-نفتی‌در ادارات دولتی‌زمینه یك‌اعتصاب دامنه‌دار را فراهم میکند و دستاویز این‌باندقانون‌جدید استخدام‌است سردمداران این باند کارمندان را تهدید کرده‌اندکه اگردرروزاعتصاب درادارات خود حاضر شوندشکم آنها با چاقو پاره خواهندکرد!

اکنون نزدیك بدوسال‌است که‌انگلستان انتظارچنین روزی‌را دارد.

اما بکوری چشم دشمنان ایران وبه‌نیستی ونابودی انگلستان‌مفلوك‌همه ماهه‌حقوق کارگران و کارمندان ایرانی پرداخت شده و آرزوی انقلاب حزب توده‌وسقوط اقتصادی‌ما با خودحزب‌توده بگو میرود

پارساگاد

درپشت دیوارهای زندان

بقیه از صفحه ۱

ای دیوارهای سرد و نمناك که بر روی تو هزاران نقش درهم و پریشان‌از زندانیان بیادگار مانده و از هر کناره ات ضجه و شیون‌هزاران بیکناه‌ومحروم بگوش میرسد، تونیز ما را در دامان سرد و خاموش خود بپذیر و بگذار تا شاید ازاینهمه نا سپاس لحظه‌ای بیاسائیم

ای فروغ خورشید ای پرتوهای تا بناك و درخشان که از پنجره های مشبك وسوراخ‌سوراخ نا خوانده بملاقات ما آمده‌ای، مگر داستان ما بتوهم رسیده است و بیگناهی ما را بر تو خوانده‌اند که با تابش اشعه‌گرم وعطوفت‌بخش‌خود بمادلداری میدهی وگرمی و فروغ‌می بخشی.

گویا تونتها بیاری ما برخاسته‌ی‌تا با نورگرم و فروغ پر حرارت خودادین دیوارهای نمناك‌ومرطوب را تنبه‌وشرم سار سازی.

و با دست پر مهر ولطف خود ما را تسلی دهی‌ودیگرانر ازاین همه‌جسارت بی سپاس‌که بر ما روا داشته اند سر افکنده وزبون سازی،

ای‌آسمان پرشکوه و آبی رنك‌که از پشت‌میله‌های آهنین تو را قطعه‌قطعه و در هم شکسته می‌بینم آیا تو هم بما لبخند محبت آمیز میزنی یا با قهرو خشونت چشمان ترسناك و پر خشم‌خودرا بما مینمائی.

امانه؟ می بینم‌که توهم بمامیخندی وگویا از دیدار ما نگران‌وخشمگین نیستی توهم شادی‌که با دلباختگان راه‌عشق و وفا سروسری یافته‌ای.

تو هم با محرومین در راه‌حریت‌و آزادی با مردان آزاده که بجرم میهن پرستی محکوم شده اند نردمحبت میبازی

می‌بینم‌که هرلحظه‌بالکه های ابری که چون فرشتگان سپیدپوش از آغوش آبی رنك توپرواز میکنندبما نویدفرح‌و سعادت میدهی و با قیافه شادان خوددل افسرده ما را آرامش و تسکین میدهی.

درود بر توای آسمان آبی رنك که با همه زیبائیهایت‌میکوشی تاجبران‌جنایات‌و بتمائی.؟

درود برتوکه با مادست دوستی و وفامیدهی، تاهمه‌با هم بر علیه خیانتها و جنایات قیام کنیم ای درختان‌سربرآسمان کشیده وپژمرده‌که اندوه و رنج زمستان شما را افسرده و ملول ساخته است، گویا شما هم بتماشای ما آمده‌اید که‌سربطرف این میله های سیاه و آهنین کج کرده‌وبا همه غم و افسردگی خود بحال ما تاسف و تاثر میخورید و از هر نسیم‌ملایم‌ونرم دل آزرده و رنجور شده‌سرهای خود را بایکجهان‌ناراحتی وخشم‌بیکدیگرمیسائیدو شیون وزاری سرمیدهید،

ای کهنسالان از چه غمگین و اندوهناکید،؟!

مگر نمیدانید: که روزسعادت‌وآزادی شما نزدیك است؟

آگاه باشید؛ که من بشماموژده بهار میدهم.

آدی! بهار زندگی بخش.

امابرمانیز متاسف نباشید: که در مکتب ماشکوه‌وزاری‌بررنجها و مصائب باطل وخطاست.

بدانید وآگاه باشید که مارا نیز آتش‌فروزان‌وشعله‌ورانتقام فروغ حیات وزندگی خواهد بخشید

ای انتقام

اما ای‌نسیم

ای‌نسیمی که‌لرزان وبیجان باملایمت‌و نرمی بهرسومیگذری وهر صبحگاه و شام هزاران‌پیادم‌ازیاران ودوستان بر ما میآوری.

ای‌نسیمی که‌نه‌میله‌های آهنین سیاه‌نه سیمای خاردار وطویل ونه طنین چکمه پاسداران‌وسرنیزه سرنیزه‌داران قادر بجلوگیری از حرکت تو نیستند، تو که آزادی‌ومیتوانی‌ازهرکوی وبرزن‌آزادانه بگذری، وبایك کرشمه‌ازکنار سرنیزه‌داران گذشته‌اوبالبسند تمسخرآمز برآنها طعنه زنی؛ دربیچ‌خم‌خیابانها ودامان‌سبزه زارها پنهان شوی.

یتومیگویم... فقط بتو.. ونیز برما مردانه پیمان سپار، که‌پیام مارابسروران ودوستان بازرسانی

از مابدوستان بگو: که ای

نغمات ایران پرستی

از: نوید

بانك انتقام

«دریای‌خون» «آتش گدازان»

گروه‌گروه رنجران آسیب‌دیده و استعمار زده باآوائی خشمگین وندائی شورانگیز؛ بامشتهای گره‌خورده و پولادین درشاهراه همگانی برپا ایستاده، مژدهٔ انتقام خونین و هراسناکی می‌دهند:

«باما بزیر درفش رستاخیز ناسیونالیسی ایرانزمین گردآئید!... دستهای یگانگی و همسازی بسوی ما عرضه دهید تا بتك آهنین و آتش زای کارگران وکشتکران همدرد و آریا نژاد را برپیکر پلیدی ها و زشتی‌ها فرود آریم،...

مابرای شوکت وسرفرازی دیرین ایرانی بپا شد.ایم،... وبرای نابودی دشمن می کوشیم...

آذرخش سرنیزه‌های هواداران وهم‌پیمانان‌ما؛ درخشش شمشیر برنده رزمجویان‌ما؛ آسمان وپرتابگاه‌سراشیب گورسفان رابروی گروه‌حاکمه‌نمایان‌میسازد...

ماتنها دراندیشه کارزار ونبردخونین زنده‌ایم‌ودلهایمان بخاطر بزرگی بی‌همتای ایران‌زمین می‌تپد

با ما به‌پیش!... کاروان شورش ملت پرستانه مابسان سیلی بن افکن سازمان اجتماعی سیه درون کنونی را در هم می‌نوردد.

باسپاهیان غرش رسته خیز دریك‌صف!

نیروی خشمگین نوادگان کورش ونادر رهابخش‌تست!

هم زنجیر باماشو!..

***

دریای بیکران خون روانست؛ بسوی دشتها کشتها، بستانهاتا نهالان‌رسته‌خیز فرهنك آبیاری شود...

آتش سوزانی دامنه‌دارد،... آتشکده انتقام شعله‌ور است،... برای خاکستر کودکان لاشهٔ ناپاك هیئت رذل وستمگسترحاکمه،... برای بباددادن‌خرمن هستی‌های پلیدان و ددخویان...

چکشهای کاری، داسهای کشتگری بر دوش همگان ستمدیدگانست...

رنجبران برای بزیر کشیدن گنجبران از تخت قلدری آهنك جنك آشتی ناپزیری کرده‌اند... برسر هرکوی و روی، برلب‌هرجوی وسوی فرستاده‌گان کردگار، بپا کنندگان شورش و جوشش میهنی؛ دژخیمان زشت خوی را بسانك آهنین و آتش زا کوبیده و مغز و پیکره‌اشان دا در خون و خاك‌می آلایند...

... دیگر ناپاکان حاکمه بسوی دوزخ نیستی روانند و فرزندان‌خشم‌وانتقام دربهشت‌برین آری...

رزم آوران‌سرمه‌پوش‌شورش وجنب‌وجوش‌اقیانوس‌پایان ناپزیر ازخون‌اهرمنان‌وددان روان کرده‌وشاخسار نهالان‌فرهنك وتمدن راسیراب‌ساختند...

***

ایرانی!...

به دنبال سالیان نکون بختی و واژگونی... هم اکنون جنبش امیدبخش وپر ارج پان ایرانیسم اززرفنای دریای تاریخ ترا... ترا میخواند تا بسوی‌درفش پر فروغ‌نگار آن‌فراشوی...!

دیری‌نمی گذرد که‌بایکتائی وهماهنگی، دست‌بدست هم‌براه شورش‌ارزنده‌ای پیش‌میرانیم...

مابیاری نیروهای گسست‌ناپذیر ملت ایران بهمسازی‌دربند شده‌گان؛ کارگران؛ کشتگران؛ ستمدیدگان تیغ برانی ازنیام میکشانیم وشتابان وبی‌پروا برزمگاه آکنده‌از خون رهسپار میشویم وباواژگونی کاخ فرمانروائی بیگانگان بنیان ایرانی پاکیزه و استوار برخون‌را سازمان وپی گذاری‌میکنیم...

به‌پیش آئید ایران پرستان!..

به پیرامون درفش درخشان ما... بسوی پیروز مندی پان ایرانیزم...

۳۱ر۱۱ر۳۲

دلیران و آزادگان

ای‌مردانی که پیمان سپرده‌اید تاپای جان بهدف وراه خویش وفادارباشید.

ای جوانان دلیر پان‌ایرانیست.

ازاین خواب‌گران بیدار شوید. و ازاینهمه غفلت ومدهوشی بخودآئید.

آگاه باشید. که پاس فداکاریهای شما زندان وشکنجه است. وجبران‌ازخود گذشتگیهای شما هتك حرمت‌ودشنام.

مگر صدای ناقوس خطرکه سراسر فضای میهن شما رامیلرزاندهنوز بگوش شما نرسیده است.؟!

برخیزید، بیدارشوید.

دستهای یکدیگر را با یك ایمانی آسمانی بفشرید.

آماده شوید تجهیز کنید.

برای قیام، برای انتقام.

برای قیام، برای انتقام.

آپادانا

ارگان حزب‌ملت ایران

بربنیاد پان ایرانیسم

دارنده امتیاز:

امیرسلیمان‌عظیما

زیرنظرهیئت تحریریه

جای‌اداره‌میدان بهارستان‌ول

خیابان صفی علیشاه

چاپخانه‌قیام

چاپخانه قیام چهار راه‌کنت

نوشته رسمی ۱

چرا باید قوی بود مفهوم صلح

وجنك چیست ؟

صلح و جنك دوموضوع متباینی استکه نویسندگان در اطراف آن قلم فرسائی زیادی کرده وکتابهای زیادی نوشته اندولی چون این روزها طرفداران بلوك شوروی درکشورهای جهان منجمله در ایران ما که رل آن بدست حزب منجمله توده سرده شده و در اطراف صلح وکشورهای پشت پرده آهنین تبلیغات نا روائی مینمایند و چنانکه میبینیم منظور اصلی گردانندگان این خیمه شب بازیها که همان کاخ کرملین باشند بیشتر بجنبه تبلیغاتی آن اهمیت میدهند تا به حقیقت امر بنا بر این ملازم دانستیم یك بار دیگر تا آن جا میسر است عمیقانه دراین باره صحبت کنیم ومفهوم واقعی جنك را آنطور شایسته است بخوانندگان بشناسانیم .

این اصل مسلمی استکه در دنیای امروز کشورهائی ازجنك طرفداری میکنند که درطی زود خوددهائی که با همسایگان خود نموده اند همواره شاهد پیروزی را دربر گرفته و استفاده کلی متوجه آنان شده است ولی بعکس ایندسته ممالکی که ازصلح وطرفداران آن دفاع میکنند عموما کشور هائی هستند که در طی قرون متمادی دائما در معرض حمله وهجوم کشورهائی بوده اند که بعکس خودشان ازجنك وجنگیدن باکی ندارند وعلت اینکه دسته دائما ازصلح طرفداری میکنند همانا شکستهای پیاپی آنها ازدولی استکه ر اثر برتری هوش ر نژادی واستفاده ازمنابع طبیعی سرزمینهای خود اظهار عرض وجود به آنها نمیدهند و چون ذاتا دسته ردوم عموما ملتهائی هستند که نمیخواهند یا نمیتوانند در مقابل کشورهای قوی مقاومت کنند ازاین نظر باتبلیغات دامنه داری که از طرف آنها صورت میگیرد میخواهند که صلحی ابدی وجاودانی دردنیا مستقر شده وآنان هم در این معرکه بزندگی نکبت بار خودشان ادامه دهند . خواهید گفت پس چرا کشورهائی چون شوروی که قدرت دفاعی امروزی آن چشم دنیائی را خیره کرده است از صلح طرفداری میکنند ؟ قبلا بایستی برسرمتان برسانم که این کشورها چون از نظر ملیت و نژاد باهم اختلاف داشته وحتی از نظر تاریخ هم وحدتی درمیان آنان نسبت این کشورها اولا از نظر حفظ مرزهای فعلی وبعلاوه نگهداشتن ملل تابع خود در خواب خرگوشی و اینکه نگذارند به حقوق مسلم خود واقف شده و منافع رهبران شوروی درمعرض خطر قرار نگیرد ناچار باطرفداری ظاهری ازصلح میخواهند نگذارند که ملل تابعه آنها بحقوق مسلم خود واقف شوند ودرثانی بااین وسیله باعث بزنجیر نگهداشتن سایر ملل هم بپردازند در اینجا بایستی علاوه کرد که متأسفانه در اثر تبلیغات پوچی که کشور های همزنجیر ملل شوروی در میان سایر ملتها مینمایند باعث شده که فزونی وعشق وعلاقه بصلح معدودی ازملتها رافراگرفته است .

پس از اینکه ازیوغ وع تبلیغات بی پایه این کشورها که منظوری بوجود آوردن همان جنگی که ازبروز آن خودراهراسان نشان میدهند ندارند علت اصلی موثر افتادن این تبلیغات درروحیه ملتها عبارت است ازناتوانی روحی - نداشتن شجاعت ورشد معنوی وبی علاقگی آنها بسر زمینی که در آنجا زندگی میکنند (چنانکه بلشکویکهای وطنی خود ما هم ابا ندارند که اظهار کنند که بایستی کلیه کشورها منجمله کشور ما ضمیمه بلوك شوروی شود) وبالاتراز همه در نتیجه فشار های زیاد وطاقت فرسای زندگی که برآنها تحمیل مینماید به آنها اجازه داده نمیشود که بیش از آنچه که بصورت جملات توخالی وخشکی در مغز آنها ریشه دوانیده شده درباره صلح ونتایج آن فکر کنند بقول تریگوه که میگوید (همیشه در دوره های فرسودگی و سستی و پستی روحیه آدمی است که خیال خام آشتی جاودانی برفکر مردم مسلط میشود) و این محال استکه بخواهیم حتی تصور کنیم روی صلح در سراسر دنیا سایه گسترده و منتهای مختلف یا نژادها وروحیه های گوناگون وافکار وتخیلات مخصوص بخود برادروار بایکدیگر بزندگی خود ادامه دهند زیرا برتری نژادی و هوش خدادادی ملتهائی که زودتر از سایرین برموز طبیعت آشنا شده وسالیان متمادی در اثر پشتکار خود دنیائی را زیر فرمان خود داشته و باعث شده اند که امروزه این خیال صورت عمل بخود نگیرد . موضوع قابل توجهی که باعث شده در طی قرون متمادی جنگلهای مدهشی بین کشورها در گیر شده است یکی هم افزایش سریع و روز افزون افراد کشورهای نیرومند و سالمی استکه دراثر توجه دولتهای آنها و پیشرفت آنان درزندگی داشتن بهداشت و فرهنگ تعداد روز بروز در حال ازدیاد است بنا براین این ملتها برای اینکه بتوانند بزندگی خود ادامه دهند و مواد مورد احتیاج زندگی روزانه خود را تامین کنند بالا ره روزی میرسد که در اثر نداشتن زمین و احتیاج آنها به آب خاك وزمینهای دیگر ناچار به افزایش و فراخ کردن مرزهای خود میافتند و چون امروزه تمام زمینها در تصاحب ملتهای مشخصی است بنا بر این ملت های ممدن هم بالاجبار با حمله و تسخیر زمینهای وشخص و اژگون کردن دولتهای ضعیف باعث پیش بودن مقاصد خودشده اند چنانکه دولت ایطالیا در سال ۱۹۳۶ با وجود اعتراضات اغلب ملل موفق شد که حبشه رامتصرف شود ویا اینکه درسال ۱۹۳۸ دولت آلمان چکسلواکی رامسخر نماید.

اخبار دبیرستانها

اقبال

بنا گزارشیکه خبرنگارما میدهد چندیست وزیر فرهنك دست باشویکها رادر امور دبیرستانها ودیگر آموزشگاهها بازتر گذاشته است.

دبیر هنگامی که بکلاس می آید بجای درس و آموختن دانستنی های فرهنگی به دانش آموزان، پیوسته دم ازاستالین وصلح وخلق کبیر چین میزند

دردبیرستان اقبال کاربجائی کشیده شده است که دبیر انگلیسی بنام **سعادت** بدون وقفه تبلیغات کمونیستی کرده ومیهن پرستانی را که براو گوشه می گیرند از کلاس میراند.

چندتن ازنمایندگان کلاس سوم این دبیرستان کتبا به اداره نامه ای فرستاده اند که حاکی ازنفرت براین دبیر ناپاك رذل است .

ما میخواهیم که بخواست دانش آموزان گردن گذاشته شود وگرنه اقداماتی شدید خواهد شد.

انجمن ادبی دارالفنون

پس از چندین جلسه برای اخذ رأی و انتخاب افراد انجمن ادبی دارالفنون بالاخره در ده روز گذشته باشرکت ٤٥٢ نفر اخذ رأی بعمل آمد و دانش آموزان بیدار دل دوستان میهن دوست خودرا برگزیدند

ازچندین کاندید آقایان زیر حائز اکثریت آراء برای انتخاب در انجمن ادبی دبیرستان دارالفنون شدند: آقایان مشحون- دانش- بدیعی- منصور- آقازاده فاطمی- چراغچی - افرهی- خسروشاهی- اردلان- شافع

ما امیدواریم که آقایان فوق در راه پیشرفت وآنستنی های نارسای دانش آموزان دارالفنون کوشا بوده وپیش ازپیش نمونه های فعالیت وایران پرستی خود را به کوره آزمایش گزارنداز طرفی بسی خوشنودیم که درین انتخابات باآنکه توده ایها قصد اخلال داشتند دانش آموزان روشن بین رأی خود را به ناسیونالیستها عرضه کردند.

(وطن پرست)

ایرانی غیور بپا خیز و از نیام
شمشیر کین برآر وزمین کن توسرخ فام
میکن زتن جدا سر بیگانه خواه خوار
که بر یمین حمله کن وگاه بریساری
کن جوی خون روان و بزن تیغ بر عدوی
زآنسان که هست رسم وره مردنامجوی
فرزند داریوش تودرحفظ آب وخاك
یاری بجوی ز ادر مزد یار پاك
دادار پاك ترا رهنمای باد
کز تخمه کیانی و فرزند کیقباد
از سستی ور ذالت شاهنشه قجر
قفقاز شد جداوتبد تنك زین بتر
بحرین رفت ونیز برایران بماند ننك
خواهی رهائی ازاین ننك کن تو جنك
با اهرمن بجنك وزداورظفر بجوی
برخاك وخون فکن تو بیگانه رزمجوی
مام وطن زسر افکندگی بر آر
پشت وپناه تو است خداوند دادبار
از جان گذشته و نبودباك زاهرمن
سر می نهد براه نگهبانی وطن
جهانگیر - هوشمند

(احمد رحمانی)

بازهم رزبانم کشت جاری نام خون
آرزودارم که گردم غرقه درجولان خون
کشور ایران مارا اجنبی پامال - کرد
نونهالان وطن رابین همه یکسان خون
هر که حرف حق بگوید عاقبت گردد هلاك
چونکه دیدی عشقی ومسعود شد غرقاب خون
فرخی انقلابیش چوگردید شیر
شیر ایرانرا چوکردند عاقبت غلطان خون
عشقی ناکام دایم گفت ونالیدای خدا
آرزو برکور برد آخرچه شد پس عبد خون
ای مصدق ماهمه سربازان آماده ایم
بهر پشتیبانیت دشتها کنیم طوفان خون
(احمد رحمانی) خونرا قطع کن چون عاقبت
قلب تو پرخون شد بسکه گفتی خون خون

اخبار و گزارشات حزبی

روز جمعه

روز جمعه یکم اسفندماه گردش همگانی حزب آغاز میشود. همگی سروران ساعت ۳۰ - ۷ بامداد درجایگاه حزب آماده باشند .

دبیر سازمان مرکزی

سخنرانی هفتگی همگانی

همه هفته روز های شنبه ساعت ۳۰ - ٦ شامگاه در جایگاه حزب سخنرانی هفتگی است . سروران می توانند دوستان خود را به این سخنرانی ها فرا خوانند .

دبیر سازمان مرکزی

گارد حمله

همه هفته روز های دوشنبه ساعت ۷ شامگاه نشست گارد حمله آغاز می شود . افراد گارد حمله وظیفه دارند بدون دیر آمدگی در سر ساعت آماده باشند .

فرمانده گارد حمله

تشکیل نیروها

از این پس نیروها درروز وساعت معین تشکیل میشود. شرکت همه سروران بدون دیرآمدگی در نیروها لازم است .کسانیکه در نیرو شرکت نکنند از حزب رانده خواهند شد .

دبیرسازمان مرکزی

پنج میلیون ریال جایزه سال ۱۳۳۱ صندوق پس انداز ملی

در قرعه کشی سال ۱۳۳۰ صندوق پس انداز ملی جایزه ممتاز **۳۰۰ر۰۰۰** ریالی نصیب آقای فریدون چارباشی دارنده حساب پس انداز شماره ٤٦٦٤ شعبه رضائیه و جایزه بزرك **۲۵۰ر۰۰۰** ریالی نصیب بانوصغری اسرار دارنده حساب پس انداز شماره ۱۹۰۲٤ شعبه شیراز گردید.

چنانچه شما هم میل دارید در قرعه کشی سال ۱۳۳۱ شرکت و از **۵ر۰۰۰ر۰۰۰** ریال جایزه که به جوائز **۳۰۰ر۰۰۰** ریالی و **۲۵۰ر۰۰۰** ریالی و **۱۵۰ر۰۰۰** ریالی و **۱۰۰ر۰۰۰** ریالی و **۵۰ر۰۰۰** ریالی و **۱۰ر۰۰۰** ریالی و **۱ر۰۰۰** ریالی و **۱۰۰** ریالی تقسیم گردیده است بهره مند شوید قبل از پایان سال جاری برای بازنمودن حساب پس انداز جهت خود و فرزندانتان درتهران به اداره مرکزی صندوق پس انداز ملی یا باجه های شهری و در شهرستانها به شعبه ها یا نمایندگی ها یا باجه های بانك ملی ایران مراجعه فرمائید .

۵-۳

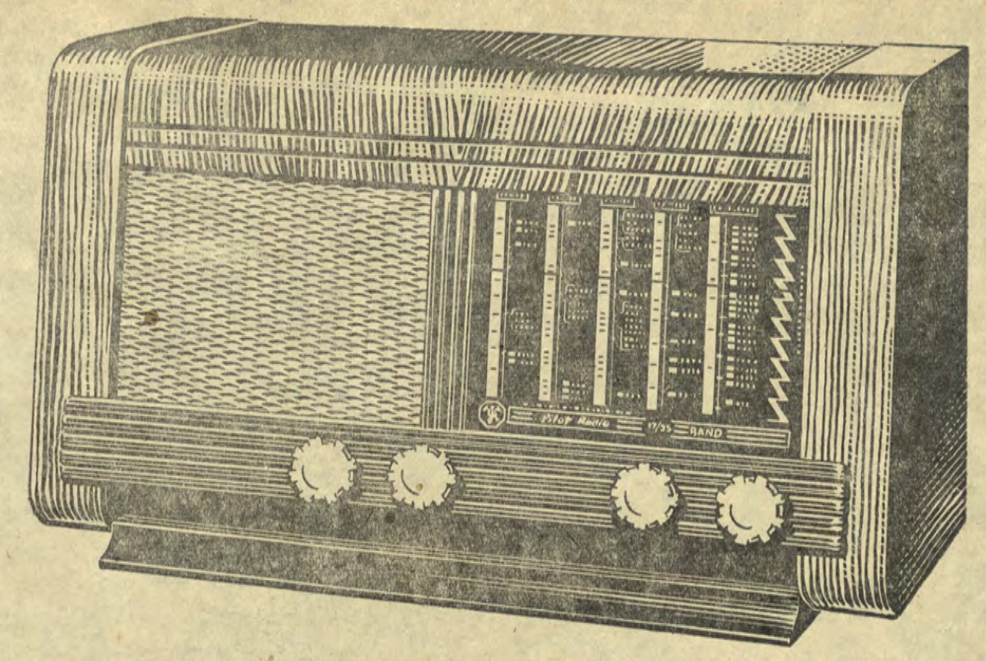

رادیو پیلوت زیبا وقوی ترین رادیوهای جهان است

پول ایران را بایرانی سپار

منسوجات خارجی بزرگترین رقم واردات را نشان میدهد

هزاران کارگر و متخصص ایرانی کارخانه وطن با صرف وقت وتحمل هزینه بسیار توانسته اند منسوجاتی در داخله مملکت بسازند

که بتصدیق عموم اشخاصیکه از نمایشگاه وطن دیدن کرده اند

با پارچه های خارجی برابر است

با مصرف منسوجات کارخانه وطن کازرونی پول ایرانی بایرانی داده اید

نمایشگاه کالای وطن کازرونی خیابان سعدی

تاریخ را چگونه بررسی کنیم از تاریخ

بقیه از صفحه ۱

ما دیگر از افسانه ها پیوند گسسته ایم افسانه ها برای کودکان و پیران دلنشین است، افسانه ها روح های قهرمانی و جنگجو را سیراب نمیکند در اینجا باید چك بعامل دیگری زد ... واقعیت ها ... واقعیت ها

ویرانه‌ای که ایران نام گرفته، آری دراین سر زمین، نفوذ افسون وطلسم فرهنك های استعماری، گروهی بااحساسات کودکان و جمعی را با بیحالی وسستی پیران پرورش داده است

صدی ۹۹ مردم ایران یا پیر یا کودکند چون نیرو های حسی آنها خوب احساس نمیکند (درك نمیکند) یا آنکه توان آنها کم گردیده است وبسوی مرك روانست

کودکان پنداری ازجهان درمغز خود دارند که در جهان واقعیت هانمونه ای از آن دیده نمیشود. افسانه هائی را واقعیت می پندارند که جز درفضای بلند پرواز یهای سیمرغ تحیلات وجود ندارند

پیران که خود را مظهر زنده تجربه زمان میدانند، خویش را «عقل کل» میخوانند براثر گذشت زمان، عواملی را که روانشناسی بنام «پشت کار، خونسردی، شجاعت زندگی در خطر» میخواند از دست میدهند و ازانجام هر عمل مثبتی روی گردان هستند

در میهن ما، ایرانی که یکصد و پنجاه سال است شاخه های فرهنك استعماری در پیکرش راه یافته، سر زمینی که مردم آن «چشم واقع بین» خود را در برابر شعله های کور کننده جوش اکسیژن اندیشه های ضعیف و منحرف از دست داده اند، آری. در این کهواره فرهنك باستان صدی ۹۹ مردم قدرت درك واقعیت ها را از دست داده اند و دراز جهانی بجز جهان متحرك و زنده، جهان پیشرو و پیشتاز بسر میبرند، جهان آنها جهانی بیحرکت، مرده و آرام است آنها از هر چیزی که بوی مرك و سکوت مطلق از آن برخیزد لذت میبرند زیرا در یکصد و پنجاه سال آهنك مرك و بدبختی در گوش آنها جای گرفته است

تنها صدی یك مردم ایران بندای تاریخ پاسخ مثبت داده اند ولی این پاسخ مثبت هنوز کامل نیست ولی سرانجام کامل خواهد شد و اگر جز این میبود، با نفوذی که فرهنك استعماری در ایران کرده است آنوقت این حقیت اعلام میشد که ندای مزبور، ندای تاریخ نبوده است، ندای افسانه ها بوده است

پان ایرانیسم، فرمان تاریخ ایران است که. از ده سال پیش بصورت نهضتی شکست ناپذیر بحرکت درآمد، در آن روزهای نخستین نهضت، شماره دوستان ما، از انگشتان دو دست تجاوز نمیکرد و تازه کسی را پس از مدتها آزمایش، بسختی میتوانستیم در جرگه خود وارد کنیم زیرا ایران مهد افسانه ها و ارزش های ضعیف گشته بود

آیا شما اگر در میان گروهی معتاد به افیون و الکل از مزایای کوه نوردی سخن گفتید و آنها روی ترش کردند، شما چه گناهی دارید و آیا این خود نشانه استحکام و قدرت اندیشه شما نیست؟

تحت تاثیر دستگاه تبلیغاتی دشمنان ایران، جمعی میگویند که نهضتی واقعی و اندیشه آن در خود احترام است که در اولین بر خورد خود با آفکار مردم، دست کم از طرف اکثریت مردم پذیرفته و مورد استقبال واقع گردد ولی ما این «تز» را قبول نداریم وبناچار دراطراف آن کمی گفتگو میکنیم:

بنظر ما، یك نظر سطحی بتاریخ نهضت های فکری وسیاسی این رازرا آشکار میکند که هر نهضتی در موقع بروزو ظهور خود در بادی امر، دربرابر کوههای استواری از «افکار عمومی» قرار گرفته ولی سرانجام راه خودرا یافته ومردم را با واقعیت های نواعم ازعلمی وتاریخی آشنا ساخته است مطالعه نهضت های بزرگی از قبیل رنسانس رمانتیسیسم ما را به این واقعیت نزدیك میکند.

ثانیا باید دید که اندیشه مورد نظر چیست ودرمیان چه کسانی تبلیغ میشود. آیا اگر درمیان یك مشت سوداگر، شماز هنرمندی کمال الملك نقاش یا از لطافت اشعار کوته وشیللر ویا از بیمانندی، جسان سخن «شاهنامه» گفتگو بمیان آوردید ولی در پاسخ، با پوزخند تمسخری روبرو گشتند در پیش خود چه خواهید اندیشید و آیا این شعر از خاطر شما نخواهد گذشت «گر نه بیند بروز شب پره چشم-چشمه آفتاب را چه گناه»

آیا گناه کار اصلی، کسی نیست که در بادی امر ودر نخستین بر خورد، از این گروه انتظار دیگری داشته است؟

اگر در جامعه منحط، که روح هنر و ابتکار تقریبا مرده است به جهان سینما نظر کنیم می بینیم اغلب، مردم بسوی فیلم های مبتذل که ره آورد جهودهای هالود است هجوم میآورند و کمتر به فیلم های اخلاقی فیلم هائی که باید قدرت مغزی را برای درك آن بکار برد از خود میل ورغبت نشان میدهند و آیا تصنیف هائی از قبیل «دل کن بابا اسداله» که یك روزه درمیان جامعه گسترده میشود وهمه آنرا از بر میشوند دلیلی برارزش آنها خواهد بود زیرا بسرعت مورد استقبال قرار گرفته و افکار عمومی آنرا پذیرفته؟! آیا عدم رغبت مردم به فیلم های نوع دوم دلیلی بر بی ارزش بودن آنها خواهد بود؟!

خیر ولی این خیر را مردم نمیتوانند بگویند؛ مردم باید از طرف کارشناسان بیغرض بتدریج دلایل این «خیر» را درك نمایند و کارشناس هم نمیتواند چون مردم همگی صاحب یك نظر غلط هستند و نیز پای بند آن نظریه غلط گردد بلکه راه او ارائه نظریه صحیح و تبلیغ و پافشاری دائمی است برای جایگیری درمغزها.

راه نهضت های تاریخی هم جز پذیرش واقعیت های تاریخ چیز دیگری نیست باید از تاریخ گرفت و بتدریج درمغز مردم جای داد.

دربشر در نیروی متضاد همیشه باهم درجدالند کار و کوشش باسستی و تنبلی فعالیت وزندگی با سکون ومرك.

امروز درایران کنونی، روح رخوت وسستی کاملا فرمانروائی دارد از اینرو مادر نخستین روزهای مبارزه خود انتظار این امر را نداشتیم که گروه گروه مردم بسوی ما بشتابند؛ اگر جز این بود پان ایرانیسم آوای بزرگی ایران بشمار نمیرفت بلکه آهنك مرك مردم میهن ما بود.

مگر حزب توده و حزب دمکرات قوام در اولین روزهای تشکیل خود، بیك چشم برهم زدن دمونستراسیون های صدهزار نفری براه نیانداختند بلی آنها نماینده افکار عمومی بودند؛ آنها نماینده وزبان گویای فرهنك استعماری بودند.

در آن زمان افکار عمومی تنها خواستار اجرای این شعار بود «نان برای همه» واین احزاب هم مظاهر جز ازاین مقوله سخن نمیگفتند.

گذشته از این، ما این واقعیت تاریخ را اعلام میکنیم که افکار عمومی همیشه و درهرهنگام فرمان تاریخ نیست آیا اگر درمیان بیست نفر که هیچ یك از علم پزشکی اطلاعی ندارد. بیماری را ببرید وهمگی اورا سالم تشخیص دهند ولی یك پزشك ورزیده اورا مبتلی به بیماری حصبه تشخیص دهد آیا کدام یك ازاین دوعقیده صحیح است؟

اگر افکار عمومی در هزار سیصد و بیست براثر نیرنك سیاست های شوم تنها اجرای شعار «نان برای همه» راخواستار بود آیا این شعار میتوانست خواست و اراده ملت ایران باشد؛ خیر زیرا تاریخ؛ این مردجاویدی که گذشته را بارزبین واقعیت ها مشاهده کرده است میگوید مقیاس بزرگی ملتهای خلاق وسازنده پرتوی است که مغز آنها به جهان فرهنك می تابد وفرهنك جزازراه نیرومندی میسر نیست ونیرومندی درگرو یگانگی است ویگانگی تنها با پذیرش ایمان صورت پذیراست وایمان باید درراه یك آئین عالی وافتخار آمیز. آئین تاریخی وآسمانی ایجاد شود.

ما هم بدین سان آئینی را برگزیده ایم که از تاریخ بما الهام شده. آئینی را پرستش میکنم که اجاق روبخاموشی گذارده فرهنك درخشان باستان، قلبهای افسرده و ازطپش افتاده.

ما راسراز نو بخاطر آن بطپش انداخته است درراه آئینی شمشیر می زنیم که تنها درخشندگی عظمت وبزرگی ایران آینده سلول های مغز مارا بفعالیت وا میدارد نه افکار باصطلاح عمومی، این پس مانده جهودها، افکار دشمنان ما

ما افکار عمومی را درآینده برطبق هدایت تاریخ خواهیم ساخت افکار عمومی باید باداروی پان ایرانیسم این کثافتهائی را که درمعده خودجای داده بیرون بریزد وسپس از افکار پان ایرانیسم معده خود را سیر سازد؛ **معده افکار عمومی گندیده است در آن جز کثافت و بوی تعفن چیزی دیده نمیشود.**

افزایش وکاهش گروه پیروان برای ما اندیشه ای نمیسازد تنها چراغ فراراه ما تاریخ است وبس

آئینی که ما از آن پیروی می کنیم از سرچشمه آبهای گوارای ایران پرستی سیراب میشود در اینجا گلوله منطق، این قیافه دگر گون شده حسابهای سود وزیان شخصی، راراهی نیست.

گروه سربازی که درزیر رگبار مسلسل بخاطر عظمت میهن خود به پیش میتازند آیا جز بنیروی ایمان بنیروی دیگری متکی هستند خیر، زیر امنطبق این زبان الکن باصطلاح روشنفکران درایتجا فرمانده لایقی نیست دراین عرصه تنها ایمان فرمان میدهد و تنها فرمان او قطعی است.

آن دانشمندی که ۲۰ سال زحمت میکشد تایك شاهکار بجهان ملت ها عرضه کند جز از سرچشمه روح قهرمانی سیراب شده؟

منطق زبان بیحالان و بدبخت هاست، کسانیکه نمیتوانند قهرمان شوند، در راه قهرمانان گام بردارند. این گفتار شمارا باشتباه نیاندازد. سرانجام ولی بتدریج می فهمید.

منطق را در تاریخ بررسی نمی کنند، جای منطق در جامعه شناسی و تاریخ نیست، هر موضوعی روش معینی را دارد باین مطلب هم خواهیم رسید.

تاریخ باانسان ها سروکار دارد انسان این موجود مرموز را باابزارهای دیگری باید شناخت امپراطوری رم، در آن روزگارانی که یونان گهواره منطق بود در آن روزگارانی که ازلفظ آتن مفهوم منطق درذهن جای میگرفت، آری این امپراطوری بزرگ در آن هنگام بقدرت ایمان مسلح بود و با یك چنین ایمان شکست ناپذیر. یونان سر گرم مباحثات ومجادلات را زیر سم ستوران خویش قرار داد.

اسلام تنها به نیروی ایمان، امپراتوریهای بزرگ را در هم شکست نیروی دیگری جز ایمان یك چنین قدرت شگرفی ایجاد نکرد.

زمانی که ایمان بیك اندیشه عالی و مقدس در میان مردمیکه یکصد و پنجاه سال فکر خود را در مرداب، افکار ضعیف ششو کرده اند «بتدریج» راه خود را باز یافت وافکار آنان را بر طبق هدایت تاریخ رهبری کرد به یك چنین اجتماع متشکل و نوین اجتماعی که برسالت تاریخی خود مذعن است چنان قدرت و نیروئی خواهد بخشید که هیچ گلوله ای از زره ستبر آن نگذرد وهیچ دستگاه ویران سازنده ای؛ سنگر وآشیان مدافعین آنرا درهم نریزد:

پان ایرانیسم یك چنین اندیشه ایست و ساختمان یك چنین اجتماعی را دست نیرومند تاریخ باو سپرده است.

برای یك چنین جامعه ای «تسلیم» مفهوم نخواهد داشت آنها این شعار را درپیشاپیش خودحرکت میدهند «شکسته میشویم ولی تسلیم نمیشویم»

دوملت بزرگ درجنك اخیر این شعار را بکاربستند شکسته شدند ولی خم نشدند این دو ملت یکی آلمان و دیگری ژاپن بود.

ما نیز درایران کنونی راه سخت گذری را میپیمائیم زیرا در این سرزمین نفوذ افکار ضعیف در آخرین قشرهای مغز مردم راه یافته زیرا صدی ۹۹ مردم یا پیر و یا کودکند یا خیالبافند و تخیلات شاعرانه را دوست میدارند: یا از واقعیت هافعالیت ها؛ تحرك ها و پیشتاز یهامیهراسند در یك چنین اجتماع افسون شده ای سیل درمدهش پان ایرانیزم بتدریج از میان کوه ها ودشتها بیابانها و صحراها به پیش می آید. خیلی ها احساس نمیکنند ولی سرانجام باین شهر های تجمل پرست وراحت طلب، مرکز عیاش ومامن خونخوران وسربوش روح قهرمان کشی خواهد رسید ولی در آن هنگام پان ایرانیسم بیرحمانه میکوبد و فرو میریزد زیر برای از نو ساختن دست های ویران کننده ای لازم است.

ناتمام

آقای دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۱

آری جناب آقای دکتر مصدق درهمان روزهائیکه شما در مجلس با انعقاد قرار داد نفت شمال و دادن امتیاز بخارجی مخالفت میکردید، گروهی ازمیهن پرستان بودند که شبها خواب راحت را ازدیدگان خائنین ربوده بودند.

جمعی از جان گذشته تصمیم گرفته بودند وازتصمیم آنان پشت دشمنان وطن بلرزه درآمده بود.

آری از آنروز تصمیم خونین گرفته بودیم تصمیم مایك روز بصورت انفجار در احزاب ضدملی وتوده تجلی کرد وروز دیگر باندای خون وآتش.

دیروز درتحت لوای حزب ملت ایران وامروز با فریادهای شورانگیز خون وانقام

* * *

تاریخ گذشته زندگی سیاسی مبارزین پان ایرانیست را ورق بزنید وببینید:

در آنروز که شعله نهضت مقدس پان ایرانیسم درسراسر ایران تشعشع سرخ وخونین خودرا منعکس ساخت همه وقت وهمه جا ازدستجات ملی پشتیبانی نمود.

درمبارزه نفت که ملت ایران برهبری شما و دوستانتان بر علیه انگلستان و عمالش آغاز کرد، ما ودوستان ما همه وهمه پابپای شما حرکت کردیم.

آقای دکتر مصدق شاید آنروزها شما در منزل بودید ولی دوستان ما بودند که برای پیروزی وموفقیت شما و ملت ایران جانبازی میکردند و از خود میگذشتند.

شما فرمان میدادید وآن دوستان، بودند که فرمان میبردند واجرا میساختند درروزهای سخت وپرخطر دوستان ما بودند که ازسنگرهای شما وملیون محافظت میکردند و دشمنان شمارا سرکوب و مرعوب میساختند

روزنامه های آپادانا و مقالات آنها رابنگرید که از اولین روز ندای پشتیبانی شما رادرادادند وتاکنون که شاید بسیاری ازطرفداران گذشته شما پراکنده شده ویا منحرف گردیده اند پان ایرانیستها همچنا پشتیبانی قطعی خود را از شما دریغ نکردند

سی ام تیر را خوب بخاطر میآورید که شما تصمیم برفتن احمد آباد داشتید ولی دوستان ومبارزین پان ایرانیست بودند که درمیان آتش وخون درجلوی بهارستان مرك را استقبال کردند ویکبار دیگر پایه های حکومت شمارا برشانه ها و خون جوانان خوداستوار ساختند خوب بخاطر بیاورید که برای اولین بار پس از فتح و پیروزی روزسی تیر بوسیله سربازان حزب ملت ایران درفرش سه رنك ملی بمنزل شما آورده شد و **شما آن پرچم رابوسه زدید وبرچشم گذاشتند.**

خوب بخاطر دارید که به حامل پرچم گفتید: ایران رفته بود شما دوباره آنرا زنده ساختید.

هنگام گرفتن اختیارات هیچ میدانید که بوسیله دوستان ما ازطرف دیگران تظاهری نشد وعده دیگری که آمدند بواسطه اجتماع دوستان ما بود وگرنه آنها ازبیم مخالفین شجاعت ابراز احساسات نداشتند.

آیا میدانید؟ این کسانیکه امروز در زندان بسر میبرند همان اشخاص هستند که جلو بهارستان روزگرفتن اختیارات فقط بخاطر شما وبرای پیروزی شما از هیچ فداکاری فروگذار نکردند.

با اینهمه فداکاری چه چیز سبب گردید که آن مردك با سوابق تیره و آلوده اش بدوستان ما هنگام نصب تابلو شیلات ملی ایران ناسزا گوید و هرلفظ رکیکی که درمکتب کریم آقاخان خشتمال آموخته بود نثار عده ای جوان ازخود گذشته نماید.

وازکجا آن جسارت را یافته بودند که پرچم مقدس ملی ایران همان درفشی که در ۳۰ تیر شما بردیدگان نهاده بودید باآنهمه هتك حرمت وبستی چون دیوانگان زنجیر گسیخته پاره پاره کنند و نوامیس ملی بدینگونه توهین نمایند.

چرا و بچه دلیل دوستان مارا که هیچگونه جرمی بر آنان مسلم نگردیده است

باوطن فروشان ونوکران روسی بزندان مجرد میفرستند! و بین آنکسانیکه هنوزهم بایك ایمان قطعی ولایتغیر ودر سختترین شرایط بردوستی باشما پایدارند وکسانیکه درهمه جا بشماو بتمام توامیس ملی توهین مینمایند وناسزا میگویند فرق وتعاونی قائل نمیشوند؟!

میدانیم؟ علت آنستکه ما جز قلبی پاك وایمانی خالص چیز دیگری نداریم و جز وطن پرستی و ازجان گذشتگی نیروئی پشتیبان ما نیست.

آقای دکتر مصدق: آیا آن کسانیکه هرروز سرود آذربایجان میخوانند وجدائی آذربایجان ایران را هرروز صبح برخود تلقین میکنند باماکه جان برکف دست گرفته وجز بخاطر عظمت وسربلندی میهن قدمی بر نداشته ایم یکسان و برابرند؟!

زیرا دولت روس وانگلیس وامریکا پشتیبان ما نیست.

زیرا جز ایمان بخدا و احساسات پاك و خالصانه وطن پرستی پناهگاهی نداریم؟!

خیر، خیر، ما ازشما انتظار نداشتیم و نداریم ونباید شما اجازه دهید که این شعله های سوزان عشق بمیهن و ملت در قلوب وطن پرستان خاموش شود.

شما نباید بگذارید که فریاد شور انگیز مارا نوکران بیگانه باسر نیزه خاموش سازند.

این اوباش والواتی که بنام رئیس... و.... سرکار آمده اند نباید وجهه ملی و شخصیت بزرك شمارا لکه دار سازند.

هرچند که ما امروز در دستگاه فعلی نفوذی نداریم وشاید همین عدم نفوذ ما است که دوستان مارا در دیوارهای زندان محبوس ساخته بود.

شاید همین عدم ارتباط ما باهیئت حاکمه است که دوستان مارا بجرم بیگناهی بزندان محکوم کرده بود.

ولی ما شمارا بزرگتر، پاکتر ومنزه تر از اینها میدانیم که با الهام وتلقین چند دلقك وخائن مشهور عدهٔ رابدون جرم و گناه زندانی سازید:

آقای دکتر مصدق، شمادر قلب ما جای دارید نگذارید در این دوستی آسمانی و منزه خدشه خلل ایجاد سازند.

نگذارید شخصیت شما راکه با یك عمر شرافت و پاکدامنی عجین شده است آلوده سازند برای ما انتقام از دشمنان ملت ایران سخت و بعید نیست.

برای ما مشکل نیست همان دشنه که در قلب خائنین فرو میکنیم در جگر این نا پاکان و پست فطرتان جای دهیم.

ما تاکنون باحترام شما وفقط بخاطر شما برشکنجه ها و مشقات صبر کرده ایم و آنچه رنج و هتك حرمت بما تاکنون روا داشته اند نا دیده انگاشته ولب فرو بسته ایم.

ولی بترسند از آنروزیکه مردان صبور و برد بار بخشم آیند و فریاد انتقام ازجگر برکشند.

آنروز جز خون؛ آری خون این قلب های گداخته و آکنده از خشم و انتقام را تسکین نخواهد بخشید.

آنروز این خفتگان بد بخت آگاه خواهند شد که گفتار ما باکردار توام و قرین است.

وهر کلمه ما گلوله ضامن اجرای آنست

بامید صبح درخشان و تابناك انتقام

از زندان موقت شهر بانی. محمود بازیار

مصدق بزرگ

بقیه از صفحه ۱

خودمیکوشند که بانواع حیل سدی درمقابل سیل احساسات پر جوش وخروش ایران پرستان ایجاد کنند تا در پناه آن بزیست خیانتکارانه خود ادامه دهند

هم میهن، بهوش باش که دشمنان دیرین آب وخاك وسعادت و سربلندیت هر آن خویشتن رامجهز تر وآماده تر میکنند بنابر این بهیچوجه نمیتوان ساکت وآرام نشست

اگر امروز که ایام زمام داری و حکومت بزرگترین شخصیت های ملی یعنی دکتر محمد مصدق است میهن پرستان را دژخیم قلدر حکومت نظامی و شهر بانی یعنی بقایای حکومت خفقان آور گذشته بسیه چال زندان میفرستد بطور یقین در آینده خونخواری و جنایات دیرین خود راباز خواهند گرفت.

هم میهن، کار هیئت های حاکمه در گذشته وحل کاملا روشن است اگر در مقابل لیره های انگلیسی ویا بر اثر چند روز زندگی پر عیش وعشرت وآمیخته به شهوت پرستی های حیوانی حیثت و شرافت ملی مارا بر باد نمیدادند، اگر اجنبیان رادر آغوش درزه خود گرم نمیگرفتند واگر دزدی و رشوه خوری وهزاران صفات پلید را گسترش نمیدادند وخنجر ستم را تادسته برسینه عریان مردم میهن ما و شخصیت های وطن پرست فرود نمی آوردند امروز باچنین وضع رقت باری در کام عفریت فقر گرسنگی، دربدری و بیسامانی قرار نگرفته

غول کمونیسم در کشور ما سایه نمی افکند.

ما مصدق قهرمان ملی را جزء هیئت حاکمه نمیدانیم زیرا او بافشار ملت ایران زمام کشور را دردست گرفت و باهمه عمال و عناصر ضد ملی درستیز است که هیئت حاکمه ستمگر نیز در زمرهٔ عوامل فساد پرورونشر بیعدالتی درکشور بوده درصف مخالفین ملت ومصدق قراردارد.

اما مبارزات تاریخی وپایان ناپذیر ما برعلیه همهٔ نیرو های پلیدی که برای سرافکندگی ملت ایران و غارت وچپاول ثروت های ملی بدست استعمارگران خون خوار روس و انگلیس و آمریکا مصرف میشود ومزدوران حلقه بگوش آنها وهیئت حاکمه کج خیال و نالایق نوکر منش تاسرحد جان ادامه خواهد داشت.

اگر امروز در زمان حکومت ملی دکتر محمد مصدق که با جانفشانی وآتش احساسات میهن پرستان باردیگر استقرار کامل یافت همان مردم وطن پرست مصدق دوست دوشادوش کثیف ترین عناصر ایرانی نمای بلشویك بزندان بزور سرنیزه وجاه طلبی های ناروای سرتیپ هائی که لکهٔ ننك ابدی ۳ شهریور ۱۳۲۰ را بر دل تاریخ ایران باقی گذاشته اند فرستاده میشوند نباید بنظر عجیب و بعیدی باینگونه اعمال و رفتار نگریست زیرا از هیئت حاکمهٔ مزدور جزاین انتظار نتوان داشت.

این امر قطعی است که ازهمه دستگاه های پرعرض وطول هیئت حاکمه و همه کسانی که با بابوسی وخوش رقصی وخود فروشی هریك کرسی ریاست و یا وزارت ویا وکالت را بزیر ران کشیده اند تنها فرد مصدق مورد اعتماد و اطمینان ملت ایران است وبس.

امید قطعی است که در لوای پرچم سه رنك ایران که بدست افشارطوس ها امروز دریده میشود و فرمان مام فرزانهٔ وطن انقلاب خونین ملی را دامن زده و باتفاق همه ملت محروم ایران محکمه انقلابی را تشکیل تابر جراحات عمیق پیکر ملت داروی التیام بخشی ازطوطیای مغزدشمنان ایران گزارده شود.

عید نزدیك است

بامراجعه به مغازه پیرایش

بهترین لباسهای مردانه، زنانه، پسرانه، بچگانه

را میتوانید طبق سلیقهٔ خود تهیه بفرمائید

۲۰۱